



Original Paper

Article History:

Received: 8 April 2024

Revised: 21 May 2024

Accepted: 29 May 2024

Published Online: 21 June 2024

The Status of the Principle of Common But Differentiated Responsibility of States in the Legal Regime of Climate Change

Mona Davanlou¹ (Corresponding Author), Tahmineh Edalatjoo²

1. Department Law, Faculty of Law, North- Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-Mail: mn.dvnlu@gmail.com

2. Department of Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The issue of climate change is focused on identifying the principle of common but differentiated responsibility of states, which is used as a guiding principle in the climate change legal system. This principle, which is called (CBDR) from now on, is one of the most effective principles in the international environmental legal regime. The tripartite climate documents, which were formed based on the differentiation regime, have directed the major commitments of emission reduction to the developed countries. In this research, an attempt has been made to examine the position of the principle of common but different responsibility in the legal regime of climate change, considering the strategies of international law and the international climate treaties, and considering the basis of the differentiation mechanism and its axes. The strengths and weaknesses in the process of operationalizing this principle in the climate system should be analyzed. Also, this research tries to provide the necessary solutions by explaining the obstacles and challenges ahead regarding the implementation of this mechanism. The result of this research, which was carried out with a descriptive-analytical method, shows that through redefining this principle and dividing responsibilities and changing and moving in the existing categories, homogeneous groups of governments will be presented, so that this differentiation mechanism regarding the countries in The current development should also be applied with different capabilities. It is also recommended that this principle be interpreted as an international customary principle.

Keywords: Common responsibility, different responsibility, climate change, greenhouse gases, differentiation mechanism, adaptation.

Citation: Davanlou, M.; Edalatjoo, T. (2024). The Status of the Principle of Common But Differentiated Responsibility of States in the Legal Regime of Climate Change. *Journal of Islamic Wisdom and Law*, 1 (2), 92-110. Doi: 10.71844/iwl.2024.1200029

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – accses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
دوره ۱، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۴۰۳
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi: 10.71844/iwl.2024.1200029



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

جایگاه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم

مونا دوانلو^۱، تهمنه عدالتجو^۲

۱. گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mn.dvnl@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مسئله تغییرات اقلیم به شناسایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها، پرداخته است که به عنوان یک اصل راهنما در نظام حقوقی تغییرات اقلیم کاربرد دارد. این اصل، یکی از مؤثرترین اصول در رژیم حقوقی بین الملل محیط زیست است. اسناد سه گانه اقلیمی که بر مبنای رژیم تمایزگرا شکل گرفته، تعهدات عمده کاهش انتشار را متوجه کشورهای توسعه یافته نموده است. در این تحقیق تلاش شده با توجه به راهبردهای حقوق بین الملل و با توجه به معاهدات بین المللی اقلیمی، جایگاه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت را در رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی بررسی کرده، و با امعان نظر به مبنای مکانیسم تمایز و محورهای آن، نقاط قوت و ضعف در فرایند عملیاتی سازی این اصل در نظام اقلیمی تجزیه و تحلیل گردد. همچنین این پژوهش درصدد است تا با تبیین موانع و چالش های پیش رو در مورد اجرایی شدن این مکانیسم، راهکارهای لازم را ارائه دهد. نتیجه این تحقیق که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده نشان می دهد که از طریق بازتعریف از این اصل و تقسیم مسئولیت ها و تغییر و جابجایی در دسته بندی های موجود، باید دسته های همگنی از دولتها ارائه گردد تا این مکانیسم تمایز درخصوص کشورهای در حال توسعه با توانمندی های متفاوت نیز اعمال گردد. همچنین توصیه می گردد تا این اصل، به عنوان یک اصل عرفی بین المللی مورد تفسیر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: مسئولیت مشترک، مسئولیت متفاوت، تغییرات آب و هوایی، گازهای گلخانه ای، مکانیسم تمایز، انطباق.

نحوه ارجاع به مقاله:

دوانلو، مونا؛ عدالتجو، تهمنه (۱۴۰۳). جایگاه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم. دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق.

۱ (۲)، ۹۲-۱۱۰، Doi: 10.71844/iwl.2024.1200029

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open - access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

یکی از اصول حاکم بر کنوانسیون ساختاری تغییرات اقلیم، اصل مسئولیت مشترک^۱ اما متفاوت دولتها است. مفهوم این اصل که از این پس (CBDR^۲) نامیده می شود، در مقابله با چالش های زیست محیطی، از اساسی ترین مفاهیم در عرصه همکاری های بین المللی زیست محیطی است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۲۳۴). این اصل یکی از اصول حقوق بین الملل محیط زیست می باشد که از مفهوم میراث مشترک بشریت نشأت گرفته است و بر مسئولیت مشترک کشورها برای حفاظت از محیط زیست و در عین حال تعهدات متفاوت آنها با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال متفاوت و خاص کشورها در ایجاد مشکلات زیست محیطی و توانایی های فنی و اقتصادی شان برای برطرف کردن مشکلات زیست محیطی تأکید دارد.

مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت انعکاس گسترده ای در اسناد غیرالزام آور حقوق محیط زیست یا حقوق نرم (قوام نیافته) داشته است. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت به عنوان تکنیکی بسیار ظریف به همبستگی دولتها برای گردهمایی جهت تصویب کنوانسیون های متعدد زیست محیطی و در نتیجه تحقق حاکمیت قانون و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست کمک شایانی کرده است (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

این اصل تفاوت های تاریخی در سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مشکلات زیست محیطی جهانی و توانایی های فنی و اقتصادی هر کدام برای حل مشکلات را مورد توجه قرار می دهد.^۳ به دیگر سخن، علیرغم مسئولیت مشترک کشورها در حفاظت از محیط زیست در سطح ملی، منطقه ای و جهانی، تفاوت های مهمی میان تعهدات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. اگر چه این اصل، هنوز تبدیل به یک قاعده عرفی بین المللی نشده است، اما نقش مهم و کلیدی آن در توسعه و اجرای حقوق بین الملل محیط زیست از طریق منصفانه کردن تعهدات معاهداتی و کمک به توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه، قابل توجه است (عبدالهی و معرف، ۱۳۸۹: ۲۰۰). این اصل، از دو قسمت اصولاً متفاوت و در عین حال بهم وابسته تشکیل شده است: الف) مسئولیت مشترک؛ و ب) مسئولیت یا تعهدات متفاوت. منظور از مسئولیت مشترک، مسئولیت پذیری کشورها برای حفظ محیط زیست یا قسمتی از آن در سطح ملی، منطقه ای و جهانی است. اما مسئولیت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه برای عمل به این تکلیف ممکن است متفاوت باشد.

بخش دوم مربوط به نیاز به در نظر گرفتن شرایط مختلف به ویژه در مورد سهم کشور در ایجاد یک مشکل محیطی خاص و توانایی آن در پیشگیری، کاهش و کنترل خطر است. (Shirazian, S, ar. al. 2021: 32) این تفاوت به دلیل سهم متفاوت در ایجاد مشکلات زیست محیطی به لحاظ تاریخی با استفاده بی رویه از منابع طبیعی با الگوهای تولید و مصرف ناپایدار توسط کشورهای توسعه یافته و توانایی های مالی و تکنولوژیکی این کشورها در جلوگیری، کنترل و کاهش مشکلات زیست محیطی توجیه می شود.

بنابراین مسئولیت های متفاوت به تعهدات حقوقی متفاوتی منجر می شود. این تفاوت یاد شده در تعهدات، معمولاً از طریق اجرای با تأخیر تعهدات، وضع تعهدات آسانتر، شناسایی استانداردهای متفاوت و تعهد به اعطای کمک های بین المللی شامل کمک های مالی و انتقال تکنولوژی محقق می شوند (Rajmani, 2015, 12). بنابراین اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، که مبتنی بر مکانیسم تمایز است، بر حفاظت از محیط زیست، تعهدات متفاوت دولتها با توجه به شرایط اوضاع و احوال متفاوت آنها، تأکید دارد. چراکه، ناشی از تمایز کشورها به دلیل توسعه یافتگی، توانایی های فنی و اقتصادی، ظرفیت ها و اولویت های آنها می باشد. پس از دهه ها همکاری فزاینده بین المللی در مورد مسائل زیست محیطی، مفهوم مسئولیت های مشترک اما متفاوت به یک اصل اساسی در چارچوب مذاکرات بین المللی زیست محیطی تبدیل شد. به طور خاص، این اصل به عنوان یک اصل سیاست گذاری پدیدار شد که منعکس کننده اصل

^۱ Common But Differentiated Responsibilities

^۲ - common but differentiated responsibility .

^۳ the center for international sustainable development law (CISDL), the principle of common but differentiated responsibilities: origins and scope: a report for the world summit on sustainable development 2002. Available at: http://www.cisdl.org/pdf/brief_common.pdf

ایده آل گرایانه تر عدالت است. این اصل، اجماع سیاسی پایدار را نشان می دهد که برای مبارزه با مشکلات زیست محیطی جهانی، گسترده ترین همکاری ممکن توسط همه کشورها مورد نیاز است و همه طرف ها مسئولیت دارند که با در نظر گرفتن شرایط، ظرفیت ها و نیازهای توسعه ای ملی مختلف خود، بر اساس آن عمل کنند (Chinwa Ole, 2021:262).

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، اصلی مدرن در حقوق بین الملل محیط زیست است که در عمل کاربرد آن برای دولت های توسعه یافته به دلیل بار کردن مسئولیت بیشتر بر آن ها، چندان آسان نمی باشد. هدف اصلی این تحقیق، بررسی جایگاه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم است. همچنین تعهدات دولت ها در نظام اقلیمی مطابق با کارکرد مکانیسم تمایز، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. به علاوه موانع پیش رو در اجرای اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در نظام حقوقی تغییرات اقلیمی بررسی می شود. لذا سؤال اصلی تحقیق این است که اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در نظام حقوقی تغییرات اقلیمی چه کارکردهایی دارد و چالش های پیش رو در اجرای این مکانیسم تمایز در رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی شامل چه مواردی می باشد. امید است با پاسخ به هریک از این پرسش ها بتوان گامی در جهت رفع این چالش بزرگ جهانی که حیات بشر را متأثر می سازد برداشت.

۱- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم

یکی از این موضوعات زیست محیطی، مسئله تغییرات اقلیم است که با شناسایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها، تعهدات مشخص و تفکیک شده ای در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه ای مطرح می نماید. در حوزه حقوق محیط زیست، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها به ویژه در خصوص موضوع تغییرات اقلیمی، زمانی که دولت ها نیازمند محدود کردن میزان انتشارات گازهای گلخانه ای هستند، به منظور جلوگیری از اثرات چشمگیر و غیر قابل کنترل ناشی از تغییرات اقلیم، اعمال می گردد (Zaccai, E. Lugen, K. 2016:277).

تغییرات آب و هوایی انسانی یک چالش بزرگ است. با این حال سهم کشورها در انتشار گازهای گلخانه ای جهانی و تأثیرات تغییرات آب و هوایی که آنان با آن مواجه هستند، قطب های متفاوتی را ایجاد کرده است. این تفاوت ها و همچنین ظرفیت ها و سطوح مختلف توسعه کشورها با گنجانیدن مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها و ظرفیت های مربوطه تحت کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوایی (UNFCCC) در سطح بین المللی تأیید شده است (Pauw, p. et al. 2014:123) که به موجب آن کشورهای توسعه یافته صنعتی، رهبری را در رسیدگی به معضل تغییرات آب و هوایی بر عهده دارند و به طور خاص کشورهای در حال توسعه را از کاهش الزام آور انتشار گازهای گلخانه ای مستثنی می کند.

این اصل بر اساس اصل انصاف است: کشورهای توسعه یافته به طور نامتناسبی مسئول انتشار تاریخی گازهای گلخانه ای هستند و بیشترین ظرفیت را برای اقدام دارند. نظام حقوقی تغییرات آب و هوایی، با ایجاد دو گروه از کشورها در رژیم آب و هوایی بین الدولی، شدیدترین مورد تمایز را نشان می دهد.

کشورهای توسعه یافته سهم بیشتری در بهره گیری از محیط زیست جهان و تخریب آن داشته اند همچنین، فناوری و منابع بیشتری برای بهسازی محیط زیست و مقابله با تخریب آن در اختیار دارند، بنابراین مسئولیت سنگین تری را برای کاهش و حذف الگوهای ناپایدار تولید و مصرف و همچنین در مشارکت جهانی برای ظرفیت سازی در کشورهای در حال توسعه برعهده دارند.

به موجب این رژیم کشورهای در حال توسعه بلکه زیر گروه های بیشتری از کشورها در شرایط خاصی رفتارهای متفاوتی را ارائه می دهند:

الف- اقتصادهای در حال گذار که از تعهدات مالی تحمیلی سایر کشورهای صنعتی معاف هستند، در اجرای تعهدات کاهش انتشار خود انعطاف پذیری کمی از خود نشان دادند.

ب- کشورهای در حال توسعه آسیب پذیر در برابر تغییرات آب و هوایی و کشورهای در حال توسعه که اقتصاد آنها به طور خاص به تولید، استفاده و صادرات سوخت فسیلی وابسته است.

ج- برخی کشورها دارای سطح توسعه پایین، که با وجود عضویت در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. با این حال کشورهای در حال توسعه، تغییرات اقلیم را یک مسأله امنیتی نمی‌دانند و معتقدند تغییرات آب و هوایی در چارچوب توسعه پایدار بهبود می‌یابد (تقوی و طیبی، ۱۳۹۲: ۲۳۴). بنابراین رویکرد کشورها در مواجهه با تعهدات اقلیمی بسیار متفاوت است.

۱-۱- مبنای اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در رژیم آب‌وهوا

اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت به عنوان یک هنجار اساسی در مدیریت زیست‌محیطی جهانی در سطح بین‌ایالتی، در نتیجه مذاکرات بین‌المللی که منجر به تصویب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی گردید، پدیدار شد (Kiessling, 2022: 1674). به طور کلی حقوق بین‌الملل عمومی مبتنی بر برابری حاکمیت‌ها است. با این حال، علیرغم این اصل اساسی، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بین دولتها از طریق اصل مسئولیت مشترک تمایز قائل می‌شود. اصل CDDR مسئولیت مشترک دولتها را برای حفاظت از محیط‌زیست جهانی تعیین می‌کند. اما علاوه بر این، استانداردهای رفتاری متفاوتی را برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز تعیین می‌کند (Legal Response Initiative, 2020: 3). اساس اصل CDDR به این معنا است که همه دولتها موظف به عمل (مشترک) هستند، اما کشورهای توسعه یافته، مسئولیت بیشتری را بر عهده می‌گیرند، زیرا آنها بیشتر در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی جهانی نقش داشته‌اند، همچنین منابع مالی و فنی بیشتری برای مقابله با چنین مشکلاتی را دارا می‌باشند (Anjail, 2011: 276).

با این حال، برای اعمال این اصل، مسائل زیست‌محیطی باید مشترک باشند. در این زمینه، اصطلاح «مشترک» به منافع جمعی یا مشترک اشاره دارد، در حالی که مسئولیت‌های مشترک به تعهدات مشترک دو یا چند کشور در قبال حمایت از یک کشور اشاره دارد. این عنصر، اول مستلزم مسئولیت مشترک همه دولتها برای رسیدگی به نگرانی‌های حفاظت از محیط‌زیست است (Rishika, 2021: 98). در حالی که همه کشورها مسئولیت رسیدگی به تغییرات آب و هوایی جهانی را دارند، الزامات هریک از دولتها، ممکن است بسته به انتشار گلخانه‌ای گذشته و ظرفیت مالی و فنی آنها متفاوت باشد (Jutta, 2004).

اصل CDDR در قلب رژیم بین‌المللی تغییر آب و هوا قرار دارد و از همان ابتدا، پشتوانه تلاش‌های بین‌المللی برای رسیدگی به تغییرات آب و هوا بوده است (Rebecca & Jane, 2017: 39). اصل CDDR، تشخیص می‌دهد که طرف‌ها در سطوح مسئولیت خود در قبال تغییرات آب و هوایی و ظرفیت‌هایشان برای مقابله با آن متفاوت هستند و مبنایی برای تمایز بین طرفین فراهم می‌کند. سازگاری، تشخیص می‌دهد که تغییرات اقلیمی یک نگرانی مشترک است و هر دولت مسئولیت مشترکی برای حفاظت از آب و هوا دارد (Jiménez, 2013: 156). با این حال، در انتساب نقش‌ها و مسئولیت‌ها، اصل CDDR از سهم تاریخی بزرگتر کشورهای توسعه یافته در معضل تغییرات آب و هوایی و همچنین توانایی‌های فنی و مالی بالاتر آنها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای آگاه است.

چنین حقایق شناخته شده‌ای منجر به مسئولیت‌های متمایز می‌شود. کشورهای توسعه یافته «باید در مبارزه با تغییرات آب و هوایی، از جمله تأثیرات آن، پیشگام باشند، و همچنین به کشورهای در حال توسعه با بودجه، فناوری و دانش در رسیدگی به مشکل تغییرات آب و هوایی کمک کنند» (Pananya, 2014: 170). اصل CDDR حاکم بر رژیم حقوقی تغییرات اقلیم بر چندین ملاحظه مبتنی است.

اولاً؛ اصل بر مفهوم انصاف استوار است. همانطور که گفته شد، کشورهای توسعه یافته به‌طور نامتناهی مسئول انتشار تاریخی گازهای گلخانه‌ای هستند. کشورهای عضو ضمیمه یک، مسئول اکثر انتشار گازهای گلخانه‌ای در گذشته هستند. انتشار سرانه کشورهای ضمیمه یک به‌طور کلی بسیار بیشتر از کشورهای غیر ضمیمه یک است. به این معنا که افرادی که در کشورهای ضمیمه یک زندگی می‌کنند، نسبت به کسانی که در کشورهای غیر ضمیمه یک زندگی می‌کنند؛ مصونیت بیشتری دارند (Hua, J. 2017: 15).

دوماً؛ کشورها از نظر آسیب‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی متفاوت هستند. انتظار می‌رود کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته با ظرفیت ضعیف خود برای جذب تغییرات کشورهای جزیره‌ای کوچک و مناطق خشک آفریقایی که از نظر

جغرافیایی در وضعیت نامناسب قابل توجهی قرار دارند، به شدت تحت تاثیر تغییرات آب و هوایی قرار گیرند. کشورهای در حال توسعه به چالش های متعددی در قالب منابع، ظرفیت و محدودیت های زیرساختی روبرو هستند که بر ظرفیت آنها برای سازگاری با تغییرات آب و هوایی تاثیر می گذارد (Mustapher, N. 2018:43). این یک نابرابری اساسی در قلب مشکل آب و هواست که کسانی که کمترین نقش را در ایجاد این مشکل داشته باشند، بار اصلی تغییرات آب و هوایی را متحمل خواهند شد.

از سوی دیگر کشورهای توسعه یافته آغازگر تغییرات آب و هوایی، منابع کافی برای سازگاری آنها با تغییرات اقلیمی را در اختیار دارند. در پاسخ به تفاوت های حیاتی، تغییرات در رژیم آب و هوا شامل ترتیبات تقسیم بار مسئولیت است که باید انجام پذیرد. اصل تمایز، مبتنی بر ظرفیت طرفین برای برآوردن الزامات واجد محدودیت است. اکثر کشورهای ضمیمه یک ثروتمندتر از کشورهای غیرعضو ضمیمه هستند. این به این معناست که کشورهای ضمیمه یک، ظرفیت مالی بیشتری برای پرداختن هزینه های اقدامات کاهش دهنده دارند. علاوه بر این زیرساخت های فیزیکی در کشورهای ضمیمه یک به خوبی وجود دارد. به هر حال، از اصل CBDR نیز می توان به این دلیل حمایت کرد که حتی کشورهای در حال توسعه نیز با مشکل تغییرات آب و هوایی مقابله می کنند. (البته نه تحت اهداف کاهش انتشار مشخص).

۱-۱-۱- مکانیسم تمایز در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوایی

کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت ها را به رسمیت شناخته است. این کنوانسیون، تغییرات آب و هوایی را که بقای انسان و سایر موجودات وابسته به آن می باشد، به عنوان نگرانی مشترک بشریت توصیف کرده است. در عین حال تفاوت های خاص و نیازهای اولیه کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی پایدار و ریشه کنی فقر را مورد شناسایی قرار داده و در مقدمه به طور صریح به این اصل اشاره دارد که «بر طرف کردن مشکل، نیازمند همکاری وسیع توسط کشورها با توجه به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت می باشد» همچنین تأکید می کند که «واکنش ها به تغییرات اقلیمی باید با توسعه اجتماعی و اقتصادی به شیوه ای یکپارچه و با در نظر گرفتن کامل نیازهای اولویت دار کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار با در نظر گرفتن کامل تأثیرات نامطلوب بر آن هماهنگ شود». کنوانسیون از اعضای می خواهد تا سیاست ها و اقدامات حفاظت از آب و هوا را با برنامه های توسعه ملی ادغام کنند.

همچنین بند یک ماده ۳ دوباره اصل تمایز را با همان شرایط ذکر می کند و اعضا را برای حفاظت از سیستم آب و هوایی مطابق با مسئولیت های مشترک ولی متفاوت و ظرفیت های خالی خود ترغیب می کند. به علاوه کشورهای توسعه یافته را مسئول رهبری مبارزه با تغییرات آب و هوایی قرار می دهد. بنابراین، کنوانسیون سازمان ملل در خصوص تغییرات آب و هوایی نمونه بارز و موفق کاربست این اصل است. این بند کنوانسیون بر پایه سهم تاریخی کشورهای توسعه یافته در ایجاد تغییرات آب و هوایی، مسئولیت های متفاوتی را در کاهش انتشار گازهای گلخانه ای نسبت به کشورهای در حال توسعه پیش بینی می کند.

افزون بر این، کنوانسیون مقرراتی را برای ارائه کمک های مالی و انتقال تکنولوژی از طرف کشورهای صنعتی مقرر می دارد. با پیروی از اصل (CBDR) این معاهده کشورهای در حال توسعه را ملزم به کاهش گازهای گلخانه ای خود نمی کند. در عوض کشورهای توسعه یافته را ملزم می کند که در اصلاح روندهای بلند مدت در انتشارات انسانی گازهای گلخانه ای، مطابق با هدف کنوانسیون پیشگام شوند (Harris, P. 2019:17).

بنابراین استاندارد دوگانه ای در کنوانسیون به منظور دستیابی به هدف کاهش گازهای گلخانه ای تعبیه شده است. به این ترتیب که کشورهای پیشرفته صنعتی، پیشرو مبارزه با تغییرات اقلیم و اثرهای نامطلوب آن معرفی شدند. این کشورها باید منابع مالی اضافی و جدید برای برآوردن کل هزینه های مورد نیاز کشورهای در حال توسعه را فراهم کنند. همچنین باید به دیگر کشورهای در حال توسعه که به طور خاص نسبت به تغییرات اقلیم آسیب پذیرند، در برآوردن هزینه مقابله با این اثرها کمک کنند. به علاوه، باید نسبت به انتقال فناوری سالم و متناسب با محیط زیست و انتقال دانش و مهارت های فنی به کشورهای در حال توسعه تلاش کنند.

در مقابل، کشورهای در حال توسعه کمک‌های مالی را دریافت می‌کند و از انتقال فناوری منتفع می‌شوند. به آنها فرصت بیشتری برای مبادله اطلاعات اولیه در زمینه تدابیری که برای اجرای کنوانسیون اتخاذ کرده‌اند، داده شده است. از میان آنها کشورهای کمتر توسعه یافته عضو، در ارائه گزارش‌ها می‌توانند مطابق صلاحدید خود عمل کنند. بنابراین ویژگی مسئولیت متفاوت اشاره به الزامات حقوقی و سیاسی کلی دارد. پیوند مستقیمی بین اجرای مسئولیت توسط کشورهای صنعتی پیشرفته و رعایت متقابل توسط دیگر دولت‌ها وجود دارد. (کیس و همکاران، ۲۵:۱۳۸۶). این تفاوت به دلیل سهم متفاوت در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی به لحاظ تاریخی و با استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی با الگوهای تولید و مصرف ناپایدار توسط کشورهای توسعه یافته و توانایی‌های مالی و تکنولوژیکی این کشورها در جلوگیری، کنترل و کاهش مشکلات زیست‌محیطی توجیه می‌شود (Matsui, 2002: 719).

۱-۲- مکانیسم تمایز در پروتکل کیوتو

نقطه عطف بعدی در تجلی اصل CBDR در رژیم تغییر آب و هوا، پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ بود. پروتکل کیوتو یک سیستم دو لایه ساده را برای تخصیص مسئولیت، عمدتاً در اهداف کاهش، اتخاذ کرد. پروتکل اهدافی را به برخی کشورهای اختصاص داد و برای برخی دیگر هیچ هدفی را تعیین نکرد. پروتکل کیوتو متضمن تعهدات اساسی در رابطه با تغییرات آب و هوایی است، و هیچ تعهدی برای کشورهای در حال توسعه به جزء تعهدات کلی مندرج در کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، ندارد. این تعهدات شامل تهیه فهرست ملی انتشارات انسانی، تدوین و اجرای برنامه‌های ملی برای کاهش تغییرات آب و هوایی، ترویج و همکاری در انتقال فناوری، ترویج توسعه پایدار، همکاری در تهیه طرح‌های سازگاری می‌شود.

تعهدات مربوط به ترویج و همکاری در تحقیقات علمی و ارتقای آموزش، آگاهی عمومی، بسیار گسترده و مبهم هستند. کشورهای عضو ضمیمه یک (کشورهای توسعه یافته و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار) تعهدات خاصی برای کاهش انتشار دارند. (حداقل ۵ درصد کمتر از سطح در سال ۱۹۹۰ خود در دوره تعهد ۲۰۰۸-۲۰۱۲) پروتکل چندین مکانیسم را شناسایی می‌کند که طرفین می‌توانند از طریق آنها به تعهدات خود دست‌یابند (اجرای مشترک، تجارت انتشار و توسعه پاک).

ماده (۱۰) پروتکل نیز، اشاره به مسئولیت‌های مشترک ولی متفاوت اعضاء دارد. دولت‌های توسعه یافته صنعتی تعهدات خاصی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و ارائه کمک‌های مالی و فنی دارند، دولت‌های توسعه یافته دارای اقتصاد در حال گذار تعهدات کمتری دارند (کاهش انتشار منهای کمک‌های مالی و فنی بیشتر) حال آنکه کشورهای در حال توسعه تعهدی برای کاهش انتشار ندارند. در واقع دلیل اصلی اصل CBDR این است که با در نظر گرفتن نابرابری‌های خاصی که در جامعه بین‌المللی وجود دارد، از یک گروه به گروه دیگر، منفعت برسد. اگر چنین بود، آیا این عادلانه است که به کشورهای در حال توسعه اصلاً تعهدی داده نشود؟ پروتکل کیوتو، برنامه‌های ابتکاری برای انجام پروژه‌های مشترک میان دولت‌های در حال توسعه و توسعه یافته مقرر کرده است.

مکانیسم توسعه پاک در پروتکل کیوتو از مصادیق برنامه‌های مذکور می‌باشد (Harris, 2019, 20). درخصوص حفاظت از محیط‌زیست، ظرفیت‌های واقعی کشورهای در حال توسعه نیز امری تعیین کننده است. حفاظت از محیط‌زیست همانطور که قبلاً گفته شد نگرانی مشترک بشریت است، اما کشورها اولویت‌های متفاوتی در چارچوب این نگرانی مشترک دارند. اولویت کشورهای توسعه یافته از جمله مشکلات ناشی از تخریب محیط‌زیست مانند آلودگی هوا، کاهش لایه ازن و خطر از بین رفتن تنوع زیستی است، در حالی که اولویت‌های کشورهای در حال توسعه دستیابی به توسعه پایدار و ریشه‌کنی فقر است.

در چنین شرایطی، توسل به اصل برابری تعهدات طرف‌های کنوانسیون‌های نه تنها به تحقق حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی کمکی نخواهد کرد، بلکه باعث آسیب بیشتر به محیط‌زیست جهانی خواهد شد (Matsui, 2002: 721). برای تحقق این اهداف ضروری است که کشورهای توسعه یافته برای تضمین مشارکت کشورهای در حال توسعه در اسناد الزام‌آور زیست‌محیطی مرتبط با اولویت‌هایشان امتیازاتی را پیشنهاد کنند تا این توافقات مورد توجه و استقبال کشورهای در حال توسعه قرار بگیرد. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، مکانیسم نیل به چنین اهدافی است.

اگرچه پروتکل کیوتو الزامات خاصی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کشورهای در حال توسعه تعیین نکرده است. آن‌ها همچنین گام‌های مثبتی را در جهت کاهش تغییرات آب‌وهوایی برمی‌دارند که بر اساس تعهدات ضمنی ناشی از آب‌وهوا می‌باشند که دغدغه مشترک بشریت است. پروتکل به‌عنوان مثال مکانیزم‌هایی ایجاد کرده به‌ویژه مکانیسم توسعه پاک CDM که شامل اقدامات مثبت از طرف کشورهای در حال توسعه است بنابراین اگرچه کاهش انتشار برای این اقتصادهای کوچک وجود ندارد، نقش‌هایی برای آن‌ها وجود دارد. ممکن است اجرایی مکانیسم توسعه پاک برای این کشورها آسان باشد تا محدود کردن انتشار که ممکن است تلاش آن‌ها برای توسعه را متوقف کند. اما رویکرد هر چه باشد، نتیجه کاهش گازهای گلخانه‌ای خواهد بود.

تمایز و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها CBDR در مقررات مربوط به حمایت مالی، فنی و تقویت ظرفیت‌ها در خصوص حمایت از سازگاری در کشورهای در حال توسعه و حتی در رژیم حقوقی پروتکل کیوتو قید شده است. اقداماتی نیز برای تسهیل در جذب مکانیسم توسعه پاک در کشورهای کمتر توسعه یافته و بعداً در کشورهایی با کمتر از ده پروژه ثبت شده به دنبال بهبود تعادل جغرافیایی و به منظور رفع نگرانی‌های مربوط به حقوق مشارکت کشورهایی است که از این مکانیزم بازار کمتر بهره برده‌اند، معرفی شده است. حتی در کنوانسیون UNFCCC و پروتکل کیوتو، CBDR (اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت) از تمایز اعضای ضمیمه و غیر ضمیمه فراتر رفته و علیرغم افزایش میزان تغییر در پروفایل‌ها و ظرفیت‌های انتشار جهانی، در رژیم تغییرات آب و هوا در سال‌های اخیر برای غلبه بر این تمایز دوگانه، تلاش شده است.

۱-۱-۳- مکانیسم تمایز در توافق‌نامه پاریس

توافق‌نامه پاریس مهمترین توافق جهانی در خصوص رژیم تغییرات اقلیم پس از کنوانسیون تغییرات آب و هوایی و پروتکل کیوتو است که به نحوی کشورهای صادرکننده انرژی را تحت تأثیر تعهدات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای قرار داده است. هدف توافق‌نامه پاریس تقویت چگونگی واکنش جامعه جهانی به تغییر آب و هوا با تشکیل نهادهای دولتی بین‌المللی است که متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای گازهای گلخانه‌ای در محیط‌زیست هستند. کشورها متعهد شدند که سطح متوسط دمای جهانی را تا زیر ۲ درجه سانتی‌گراد کنترل و مهار کنند (Magali, & Terllak. 2001:44).

توافق‌نامه پاریس، نشان‌دهنده اوج این فرآیند تمایز است، زیرا می‌توان به دوقطبی بودن اعضای ضمیمه و غیر ضمیمه پایان دهد.^۱ بر اساس توافق جدید، تمایز به طرق مختلف در زمینه‌های موضوعی و به شیوه‌ای عملگرا انجام می‌شود. این تمایز در حالی حاصل می‌شود که همه اعضاء ملزمند در خصوص کاهش انتشارات، تلاش‌های بلند پروازانه‌ای را انجام دهند و با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. همچنین ملزمند تا نوع و محدودیت و تعهدات کاهش خود را در یک سیستم تعهداتی، تعیین کنند. چنین تمایزی مشارکت گسترده‌تری را ترویج می‌کند. از نظر چارچوب شفافیت، تمایز به طور مساوی با داشتن یک سیستم یکنواخت قابل اجراء معرفی می‌گردد که به هر حال انعطاف‌پذیری و حمایت در رابطه با ظرفیت اعضاء را ارائه می‌دهد (Rajmani, L. 2015:17). سرانجام توافق‌نامه به طور واضح، مسئولیت اصلی تأمین منابع مالی را به کشورهای توسعه‌یافته محول می‌کند و معتقد است که کشورهای در حال توسعه برای اجرای مؤثر توافق‌نامه نیاز به حمایت دارند.^۲ به موازات این تحولات در رژیم بین‌الدولی تغییرات آب و هوا، ابتکارات حاکمیت اقلیمی فرا ملی (TCG) به عنوان جایگزینی برای اقدام در رابطه با کاهش، سازگاری یا تأمین مالی خارج از فرآیندهای چندجانبه ظاهر شده است. از یک سو آنها شامل حمایت و انتشار سیاست‌ها و شیوه‌های مربوط به آب و هوا در سطوح مختلف دولتی و همچنین بازیگران غیر دولتی، می‌باشند. اما آنها همچنین پاسخی به ناتوانی آشکار رژیم تغییر چند جانبه آب و هوا برای رسیدگی در کاهش تغییرات اقلیم و شرایط متغیر جهان هستند. بنابراین از سیاستگذاری صرف بین دولت‌ها به سیستمی که شامل فعالان عمومی و خصوصی در همه سطوح نیز می‌باشد، متمایل شده است که در تنظیم و اجرای هنجارها و سیاست‌گذاری‌ها یک روند مشخصی دارد.

^۱ Paris (France)13 dev. 2015. not yet in force in UNFCCC, report of the conference of the parties on its twenty-first session, addendum. un doc, fccc/cd/2015/10/add, 1, 29 jan, 2016. p22.

^۲ Art3. paris agreement

چارچوب شفافیت تحت توافق‌نامه پاریس مشترکات بیشتری را بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد. در عین حال توافق‌نامه پاریس، تمایز بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را به ویژه با ارائه مقررات مربوط به روش‌های انعطاف‌پذیری تصدیق می‌کند. اینکه روش‌ها و دستورالعمل‌ها، باید دو شاخه شود یا نه و چگونگی بهینه سازی چنین انعطاف‌پذیری، هسته اصلی مذاکرات اساسی است. همه اعضای توافق‌نامه باید (NDC) را ارائه دهند. که در واقع این امور، مقرراتی از توافق‌نامه در ایفای تعهدات هستند مبنی بر اینکه اعضای کشورهای توسعه یافته باید به لحاظ اقتصادی در راستای اهداف کاهش انتشار آلاینده‌ها پیشرو باشند. اعضای کشورهای در حال توسعه باید تلاش‌های خود را برای کاهش ادامه دهند، تشویق می‌شوند که با توجه به شرایط مختلف ملی به مرور به سمت اهداف کاهش انتشار یا محدودیت در سطح اقتصاد پیش روند. ارائه حمایت برای کشورهای پیشرفته یک الزام اجباری است و سایر کشورها به این امر ترغیب و تشویق می‌شوند. سؤال مهم این است که چگونه می‌توان اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها را در طراحی روش‌ها و خطوط راهنما تحت چارچوب افزایش شفافیت منعکس کرد؟ آیا سیستم دوگانه‌ای برای انعکاس تمایز میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته ضروری است؟ چارچوب شفافیت کل برای همه اعضاء مشترک می‌باشد.

از سوی دیگر این تمایز باید منعکس شود، زیرا به عنوان موقعیت دوگانه توسط گروه‌های کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته استدلال می‌گردد. همانطور که در بالا بحث شد، کمبود ظرفیت‌های ملی، مانع و محدودیتی اساسی برای کشورهای در حال توسعه برای افزایش شفافیت است و توافق‌نامه پاریس قبلاً تصدیق کرده است که از درخواست ایجاد ظرفیت‌های مربوط به شفافیت اعضای کشورهای در حال توسعه به طور مداوم حمایت می‌کند. برای کشورهای مختلف در حال توسعه این محدودیت در خصوص هزینه ظرفیت سازی در بخش‌های مختلف، منابع انسانی، منابع مالی، توانایی‌های فنی، ترتیبات نهادی و مبانی قانونی آشکار می‌شود. بنابراین (NDC)های تحت توافق‌نامه پاریس، انعطاف‌پذیری تعیین شده ملی است که عملی‌ترین روش به منظور اجرایی کردن مواد توافق‌نامه پاریس می‌باشد.

انعطاف‌پذیری نباید بهانه‌ای برای عدم پیشرفت و توسعه باشد، اما فراهم آوردن یک فضا و محیط توانمند برای بهبود کشورهای در حال توسعه اولویت دارد. کشورهای در حال توسعه می‌توانند از نظر ملی، چگونگی اجرای مقررات شفافیت بین حداقل و مقررات سطح بالاتر را با توضیح در مورد گزینه‌های فعلی و نظرات خود در مورد بهبود وضعیت آینده تعیین کنند. در همین حال انتظار می‌رود که کشورهای در حال توسعه با پشتیبانی و حمایت مداوم و ظرفیت سازی، اجرای هر گونه شفافیت بیشتر و مقررات پیشرفته‌تر را بدون هیچ گونه عقب‌گرد (پسرفت) بهبود بخشند، هرچند قابل فهم و درک است که بعضی از کشورهای در حال توسعه با کمترین ظرفیت ممکن است هرگز به بالاترین سطح مقررات نرسند. در توافق‌نامه پاریس سازوکارهایی برای کمک مالی (نه بلاعوض) پیش‌بینی شده است، وجود منابع مالی که بتواند جذب بخش‌های مختلف برای سرمایه‌گذاری شود، بنابراین ظرفیت سازی و انتقال و توسعه تکنولوژی جزو تعهدات کشورهای صنعتی است که بتواند کشورهای در حال توسعه را در کاهش گازهای گلخانه‌ای همراه کند. برای ظرفیت سازی و انتقال تکنولوژی نیز سازوکاری پیش‌بینی شده است که کشورهای توسعه یافته و داوطلب در حال توسعه به صندوق اقلیم محیط‌زیست منابع تزریق کنند و در نظر گرفته شده که حداقل تا سال ۲۰۲۵ سالانه معادل صد میلیارد دلار در قالب بلاعوض، چندجانبه و دوجانبه تأمین منابع مالی با نرخ‌های تشویقی صورت گیرد تا ۵۰ درصد آن کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای در حال توسعه و ۵۰ درصد آن صرف اقدامات سازگاری شود (شفیع‌پور، ۱۳۹۵).

۲- عملیاتی کردن مکانیسم تمایز تحت توافق‌نامه پاریس:

در نظام حقوقی تغییرات اقلیم، با شناسایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، با تعهدات مشخص و تفکیک شده‌ای در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مواجه می‌گردیم. توافق‌نامه پاریس مقرر داشته است که برای انعکاس عدالت، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها و توانایی‌هایی مربوطه، با توجه به شرایط مختلف ملی، اجرا خواهد شد. ماده ۷ توافق‌نامه به موضوع افزایش ظرفیت سازگاری، تقویت انعطاف‌پذیری و کاهش انعطاف‌پذیری و کاهش آسیب‌پذیری نسبت به تغییر اقلیم با توجه به هدف اصلی توافق‌نامه پرداخته است. تعیین هدف جمعی کاهش آسیب‌پذیری آب و هوایی و تقویت انعطاف‌پذیری آب و هوایی اکوسیستم‌ها، آماده سازی، پیاده سازی و گزارش دهی تلاش‌های سازگاری ملی توسط تمامی اعضاء، کمک به کشورهای در حال توسعه در شناخت

شیوه‌های سازگاری مؤثر از طریق ارائه فرصت‌ها و حمایت‌ها برای اقدامات و تلاش‌های سازگاری، ارزیابی پیشرفت‌های سازگاری و اولویت‌ها و همچنین تبادل تجربیات و آموخته‌ها، از تعهدات اعضاء مقرر در این ماده می‌باشد. در این مورد نیز توافق‌نامه به حمایت و همکاری‌های بین‌المللی در اقدامات سازگاری با در نظر گرفتن نیازهای اعضاء کشورهای در حال توسعه به ویژه گروه‌هایی که به طور خاص نسبت به اثرات نامطلوب تغییر اقلیم آسیب‌پذیری می‌باشند، تأکید داشته است (Bodansky, 2016: 142). بدین منظور توافق‌نامه تعهدات اعضاء را در یک دسته‌بندی مشخص و بر اساس محورهای مشخص، تبیین نموده است.

۲-۱- محوره‌های تمایز در توافق‌نامه پاریس

۲-۱-۱- تعهد به عدم پسرفت

دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه در اقیانوس آرام و اغلب کشورهای در حال توسعه خواستار تعهدات حقوقی الزام‌آور مداومی در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کشورهای توسعه یافته در طول سالیان متوالی بوده‌اند. اما با پیشرفت مذاکرات در کارگروه برنامه اقدام دوربان مشخص شد که کشورهای توسعه یافته تعهدات حقوقی الزام‌آوری در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را طبق سند جدید ندارند (Wewerinke, 2016: 26). در مذاکرات پاریس نیز میان کشورها دو دستگی در این خصوص ایجاد شده بود و برخی گروه‌ها مانند گروه آفریقا، کشورهای کارائیب و آمریکای لاتین و... به شدت از تأسیس (سازوکار بلند پروازانه)^۱ برای بازنگری مرتب و تقویت تعهدات برای هر پنج سال یکبار حمایت کردند. در نهایت طبق توافق مقرر گردید که تعهدات هر پنج سال گزارش شود و به طور ادواری اعضاء از اجرای موافقت‌نامه ارزیابی به عمل آورند تا پیشرفت‌های حاصله اندازه‌گیری شود. بر این اساس این ارزیابی‌ها باید جامع بوده و موارد کاهش انتشار، انطباق، لوازم اجرا و حمایت را در برگیرند. این ارزیابی از سال ۲۰۳۳ و بعد از آن هر پنج سال صورت می‌گیرد که نتیجه این ارزیابی‌ها باید به اطلاع همگان برسد. بنابر آنچه در موافقت‌نامه اقلیمی پاریس آمده است اعضاء می‌توانند سطح اقدامات خود را مطابق با دو شرط (به روز کردن نظم آنها حداقل هر پنج سال یکبار و تعهد به پسرفت نکردن) مطابق با ماده ۴، تعیین کنند (Obergasel & et. al, 2016: 43). به نظر می‌رسد تعهد به پسرفت نکردن که از ابتکارات این توافق‌نامه است، می‌تواند خودبه عنوان یک اصل مهم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلقی شود.

۲-۱-۲- پذیرش ایجاد تمایز

از ابتدای مذاکرات تمایزات میان کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته با کشورهای توسعه یافته یکی از دشوارترین مسائلی بود که می‌بایست حل می‌شد و تمام عناصر موافقت‌نامه پاریس از جمله کاهش انتشار، انطباق، امور مالی و شفافیت را تحت الشعاع قرار می‌داد (امینی و میان آبادی ۱۳۹۱: ۱۴۹).

از همان آغاز بسیاری از کشورها با ساختار ضمیمه‌ای که در کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیم و همچنین پروتکل کیوتو وجود داشت مخالفت جدی نموده‌اند. بر اساس استدلال آن‌ها این ساختار هیچ‌گاه به طور کامل منعکس‌کننده اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت نبود. زیرا در همان حالی که اقتصاد جهانی تغییر یافت، به شکل فزاینده‌ای از واقعیت فاصله گرفت. برای نمونه آن‌ها ادعا کردند که کشورهایی که به سرعت پیشرفت کردند و ثروتمند شده‌اند، همچنان تحت عنوان کشورهای در حال توسعه طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین به تدریج، میزان انتشار کشورهای در حال توسعه مجموعاً از انتشار کشورهای توسعه یافته در حال پیشی گرفتن است (Liu, 2015: 222).

از سوی دیگر، کشورهای در حال توسعه استدلال می‌کردند که ساختار ضمیمه‌ای منصفانه است. زیرا آن‌ها مسئولیت کم و اولویت‌های توسعه‌ای دیگری دارند. پیش‌نویس موافقت‌نامه اقلیمی پاریس که توسط کارگروه تخصصی دوربان تهیه شده بود، نشان می‌داد که این پیش‌نویس از رویکرد دسته‌بندی و محور پروتکل کیوتو عبور کرده و در آن صراحتاً اعلام شده بود که توافق جدید بر کلیه کشورها حاکم خواهد بود و هیچ اشاره‌ای به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت یا اعضای توسعه یافته و در حال توسعه ضمیمه یک یا غیرعضو ضمیمه‌های یک و

^۱ Ambition mechanism

سایر دسته‌بندی‌هایی که تا آن زمان بر رژیم اقلیمی حاکم بود ن‌شد. از این رو این پیش‌نویس چارچوب کاملاً متفاوتی را برای مذاکرات پاریس نسبت به موارد پیشین ایجاد نمود (Rajmani, L. 2012:51). بنابراین موافقت‌نامه پاریس به شکل گسترده‌ای از رویکرد دسته‌بندی محور مندرج در پروتکل کیوتو عبور کرد. (Bodansky, D. et, al. 2016:25) این موافقت‌نامه هیچ اشاره‌ای به ساختار ضمیمه‌ای کنوانسیون چارچوب نکرد و در عوض اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت را به شکل متفاوتی در عناصر مختلف خود منعکس نمود. توافق‌نامه پاریس نه تنها اعضا را دسته‌بندی نمی‌کند، بلکه تعهدات خاصی را به دسته‌ای خاص نسبت نمی‌دهد. لذا تمایز را در ویژگی‌های هر حوزه (کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، تأمین منابع مالی و تکنولوژی، ظرفیت سازی و شفافیت) مد نظر قرار می‌دهد. از این رو، توافق‌نامه، در حوزه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از تمامی کشورها می‌خواهد تا اقدامات بلند پروازانه‌ای را اعمال نمایند و کشورهای توسعه‌یافته را ملزم به هدایت و رهبری در این خصوص می‌نماید. ولی در حوزه شفافیت، ایجاد تمایز از طریق ایجاد انعطاف‌پذیری در کشورهای در حال توسعه که در پرتو ظرفیت‌هایشان بدان نیاز دارند، صورت می‌گیرد.

۲-۱-۳- برنامه مشارکت تعیین شده در سطح ملی (INDCs)

غنی سازی اصل (CBDR) یکی از ابتکارات توافق‌نامه پاریس است. که این بار به جای دسته‌بندی اعضا، دولت‌ها مسئولیت‌های قانونی متفاوتی را بر اساس مشارکت‌های مختلف در تغییرات آب و هوا و سطوح مختلف در حال توسعه برعهده می‌گیرند. همچنین استانداردهای متفاوتی مانند (شرایط مختلف ملی، ظرفیت‌های مربوطه و همچنین مسئولیت مبتنی بر ظرفیت‌ها) تبیین شده‌اند. کشورهای توسعه‌یافته باید کاهش کمی انتشار گازهای گلخانه‌ای را به عهده بگیرند. همچنین ملزمند اهداف، طرح‌ها، گام‌ها و اقدامات خود تعیین شده خود (مشارکت‌های تعیین شده ملی INDCs) را ارائه نمایند. INDCها هم تعهدات قانونی و هم رویکردهای در قبال حاکمیت بین‌المللی آب و هوا هستند (Hua, J. 2017:27). در حقیقت تحلیل محیط حقوقی شکل‌دهنده توافق پاریس نمایانگر محیطی برآمده از اتفاق و اراده جامعه جهانی در راستای اجرای اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشد (Jabbour, J. 2012:45). اعضای معاهده پاریس متعهد شدند که به اهداف این توافق‌نامه پایبند باشند. اعضا قول داده‌اند که در تهیه، برقراری ارتباط و نگهداری INDCهای متوالی مشارکت خواهند داشت (Santo. 2017:77). این INDCها در پیگیری اقدامات در هر یک از کشورهایی که با هدف کاهش سطح آلودگی انجام می‌شود بسیار مفید خواهند بود (Wewerinke, M. 2016:34). از طریق INDCها توافق پاریس می‌تواند اعضا را متعهد سازد. یکی از پرسش‌های اصلی در این خصوص این است که آیا باید یک ارزیابی بین‌المللی برای دوره پس از توافق پاریس وجود داشته باشد و این فرآیند باید از چه زمانی آغاز شود و مهم‌تر آنکه این ارزیابی باید پیش از این در نخستین دوره اجرای توافق صورت گیرد یا خیر؟ (Oberghassel, 2016:52).

۲-۱-۴- انطباق

اغلب کشورهای در حال توسعه در خصوص برابری میان کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و انطباق با تغییر اقلیم از مدت‌ها قبل بحث داشتند. توافق‌نامه پاریس دربردارنده یک مقرر قانونی سخت و چندین مقرر قانونی نرم در رابطه با انطباق با تغییر اقلیم است. اعضا باید متعهد شوند تا در برنامه‌ریزی در زمینه انطباق با تغییر اقلیم و اجرای اقدامات در این خصوص مشارکت کنند. نیاز است اعضا اطلاعات مربوط به انطباق با تغییر اقلیم را ضمن شناسایی اولویت‌ها و نیازها برای ثبت در دفتر ثبت عمومی ارائه و به‌روز کنند و همکاری در زمینه انطباق با تغییرات اقلیم را تقویت کنند (امینی و میان آبادی ۱۳۹۱:۱۵۱) توافق‌نامه پاریس همچنین طرف‌ها را موظف می‌کند که روش‌های شناسایی تلاش‌های کشورهای در حال توسعه در زمینه انطباق با تغییر اقلیم را تهیه کنند. همچنین، افزایش کمک‌های مالی در پیوند با انطباق برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه از اولویتهای اصلی مذاکرات بود.

۲-۱-۵- تأمین مالی

بحث اصلی گفت‌وگوهای تغییرات اقلیم طی فرآیند کنوانسیون همواره این بوده‌است که کشورهای توسعه‌یافته باید منابع مالی کافی به کشورهای در حال توسعه ارائه دهند تا آن‌ها را در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و انطباق با تغییرات اقلیمی یاری کنند (Liu. 2014:223). اختلافات در زمینه ارائه منابع مالی در رژیم اقلیمی بین‌المللی همواره شکست نتیجه کل مذاکرات را تهدید کرده‌است و

مذاکرات پاریس هم از این خطر در امان نبوده است. در مذاکرات پاریس ابهام اساسی این بود که چگونه می‌توان کمک‌های مالی احتمالی کشورهای در حال توسعه را که مورد درخواست کشورهای توسعه‌یافته بود، را مدون نمود. کشورهای در حال توسعه به نوبه خود خواستار این بودند که کشورهای صنعتی نقشه راه مشخصی را برای چگونگی انجام تعهد صد میلیاردی و تعهدات سخت خود برای افزایش سرمایه‌گذاری پس از سال ۲۰۲۰ تعیین نمایند. آنها همچنین خواستار تأسیس یک چرخه مالی ثابت برای ارزیابی و افزایش مرتب کمک‌های مالی از سوی کشورهای توسعه‌یافته بودند (Bodansky, 2015:16). اما آنچه در نهایت تصویب شد فاقد همه ویژگی‌های لازم برای ارائه منابع مالی اقلیمی بود. چراکه، بند ۱ ماده ۹ توافق‌نامه مقرر می‌دارد: «کشورهای توسعه‌یافته باید برای حمایت از کشورهای در حال توسعه در ارتباط با کاهش انتشار و سازگاری در راستای تداوم تعهدات فعلی خود بر اساس کنوانسیون منابع مالی به آنها ارائه دهند» و نیز بند ۲ ماده ۹ توافق‌نامه پاریس اعضای دیگر کشورها را تشویق می‌کند که چنین حمایت‌هایی را به‌طور داوطلبانه انجام و ادامه دهند.

۲-۱-۶- انتقال فناوری

دسترسی به اطلاعات برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه امر ضروری است. زیرا این امر دروازه ورود به توسعه و تاب‌آوری اقلیمی است. به‌علاوه دسترسی به آخرین فناوری‌ها دارای اهمیت ضروری برای تبدیل اقتصاد کشورهای در حال توسعه به اقتصاد سبز است. فناوری‌ها برای تولید و ساخت انرژی کربن خنثی اغلب به‌جهت پیچیدگی شبکه حقوق مالکیت فکری برای کشورهای در حال توسعه غیرقابل دسترس است. علاوه بر این هزینه دستیابی به فناوری در رژیم‌های مالکیت فکری موجود مانع دستیابی کشورهای در حال توسعه به فناوری مورد نیازشان برای حفاظت از شهروندان‌شان در برابر تأثیرات مخرب تغییرات اقلیمی می‌شود (Liu, 2014:15). یکی از جنبه‌های مهم اجرای مؤثر اقدامات معین کاهش داخلی کشورهای در حال توسعه دسترسی به فناوری‌هایی است که از زیرساخت‌های مبتنی بر سوخت‌های فسیلی تا حد ممکن پرهیز می‌کند. این موضوع نیز همواره یکی از موضوعات مهم مذاکرات میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته بوده است. علی‌رغم چالش‌های مرتبط با دسترسی به اطلاعات دولت‌ها نشانه‌های حرکت به سوی همکاری در این زمینه را پیش از بیست و یکمین کنفرانس اعضا ابراز داشتند. برای مثال برخی سازوکارهای انتقال فناوری در کنفرانس‌های قبلی و تصمیمات کنفرانس اعضا جهت ایجاد و عملیاتی‌سازی این ارکان که از قبل وجود داشت مقرر گردید. در مذاکرات پاریس گروه کشورهای در حال توسعه به دنبال تنظیم هدفی برای انتقال فناوری و مسائل مالی مربوط به آن از سوی کشورهای توسعه‌یافته بودند (Obergassel, et. al. 2016:51).

کشورهای در حال توسعه با پیگیری‌های مکرر توانستند یک ارتباط مشخصی میان فناوری و منابع مالی ایجاد کنند. موافقت‌نامه باید سازوکارهای موجود را جهت تضمین واقعی انتقال فناوری تقویت می‌کرد. هرچند که در عمل این امر اتفاق نیفتاد پیشنهادات ارائه شده جهت تقویت سازوکارهای موجود فناوری طبق کنوانسیون چارچوب رد شدند (امینی، ا. میان آبادی، ح. ۱۳۹۱). در نتیجه ماده ۱۰ توافق‌نامه پاریس صرفاً یک چارچوب فناوری جهت ارائه مشاوره و راهنمایی به کمیته اجرایی فناوری و مرکز شبکه فناوری اقلیمی ایجاد کرده است. به‌علاوه تعهدات کمی را در خصوص انتقال فناوری به آنچه از پیش از این در کنوانسیون چارچوب موجود بوده است اضافه کرده است.

۲-۱-۷- زیان و خسارت

زیان و خسارت به آن دسته از پیامدهای تغییرات اقلیمی اشاره دارد که نمی‌توان به آن‌ها سازگار شد. دولت‌های جزیره‌ای کوچک و سایر دولت‌های آسیب‌پذیر برای سالیان دراز به دنبال طرح مسئله زیان و خسارت بودند و معتقد بودند که این مسئله با موضوع انطباق تفاوت دارد. دلیل آن‌ها برای این ادعا آن بود که انطباق به‌طور بالقوه بر محدود نمودن پیامدهای تغییرات اقلیمی تمرکز دارد. در حالی که زیان و خسارت به گذشته برمی‌گردد و مربوط به زیان‌هایی است که پیش‌تر رخ داده‌اند یا اجتناب‌ناپذیر هستند. در مقابل کشورهای توسعه‌یافته به شدت با این مسئله مخالف بودند. چراکه بیم داشتند این مسئله دستاویزی برای کشورهای در حال توسعه در طرح دعاوی مسئولیت و جبران خسارت شود (Bodansky, 2016:25).

در کنفرانس ورشو، اعضاء سازوکار بین‌المللی ورشو را در خصوص زیان‌ها و خسارات مرتبط با اثرات ناشی از تغییرات اقلیم، مخصوصاً نسبت به کشورهای آسیب‌پذیر ایجاد نمودند. اعضاء در خصوص این که آیا زیان‌ها و خسارات‌ها بایستی به‌عنوان بخشی از مسئله انطباق با تغییر اقلیم مطرح شود یا به صورت امر مجزا مورد نظر قرار گیرد اختلاف‌نظر داشتند. بسیاری از کشورهای آسیب‌پذیر باور داشتند که مسئله زیان‌ها و خسارات متمایز از موضوع انطباق است و مسائلی نظیر تعهد به جبران خسارت و پرداخت غرامت را در بر می‌گیرد. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته ترجیح می‌دادند که این مسئله در چهارچوب انطباق با تغییر اقلیم بررسی شود. در کنفرانس ورشو اعضاء در خصوص ایجاد چارچوبی تحت چارچوب انطباق کانکون توافق کردند. اما در خصوص بررسی آن در سال ۲۰۱۶ به توافق رسیدند. در این سال، در کنفرانس لیما اعضاء بر روی یک برنامه کاری دو ساله در خصوص کمیته اجرایی و سازگاری بین‌المللی ورشو توافق کردند. مسئله زیان و خسارت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای دولت‌های جزیره‌ای کوچک، دولت‌های ساحلی پست و دولت‌های آفریقایی در معرض خشک‌سالی برخوردار بود که در نهایت آن‌ها موفق شدند ماده ۸ را درباره زیان و خسارت در توافق‌نامه اقلیمی پاریس بگنجانند. البته همه کشورها موافقت کردند که این ماده توافق‌نامه الزام‌آور نیست و یا مبنایی برای هرگونه مسئولیت جبران خسارت محسوب نمی‌شود.

۲-۱-۸- شفافیت

مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها و قابلیت‌های مربوطه، مهمترین اصل راهنما در رژیم بین‌المللی تغییرات اقلیم است که توسط کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوایی ایجاد شده است و در چارچوب شفافیت تحت کنوانسیون، طی چند سال اخیر منعکس شده است. از آنجایی که توافق‌نامه پاریس در بردارنده تعهدات الزام‌آور مقید به نتیجه در رابطه با محتوای برنامه‌های مشارکتی اعضا نیست، چارچوب شفافیت توافق‌نامه، سازوکار اصلی برای پاسخ‌گو نگه داشتن دولتها برای انجام آنچه برعهده گرفته‌اند می‌باشد (Van, 2015: 67). تاکنون رژیم اقلیمی به نگرانی‌ها از طریق ایجاد تمایز میان تعهداتشان و تعهدات کشورهای توسعه‌یافته پاسخ داده است. برای مثال توافقات سال ۲۰۱۰ کانکون، دو سیستم را ایجاد کرد که شامل سیستم ارزیابی و بررسی بین‌المللی برای کشورهای توسعه‌یافته و همچنین سیستم مشورت و تحلیل بین‌المللی برای کشورهای در حال توسعه^۱ می‌باشد. از این رو یک مسئله مهم در مذاکرات پاریس این بود که آیا بعد از رویکرد دوگانه توافقات کانکون به سمت یک سیستم شفافیت مشترک هم برای کشورهای توسعه‌یافته و هم برای کشورهای در حال توسعه حرکت کرد. تا آخرین روزهای کنفرانس پاریس بسیاری از کشورهای در حال توسعه مخصوصاً کشورهای در حال توسعه و هم‌عقیده در خصوص سیستم دوگانه‌ای که الزامات متفاوتی را برای مسئله شفافیت برعهده‌ی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته می‌گذاشت به بحث می‌پرداختند (امینی و میان آبادی ۱۳۹۱: ۱۷۵).

سیستم شفافیت توافق‌نامه پاریس، ایجاد تمایز میان کشورها را نه از طریق رویکرد دوگانه میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته بلکه از طریق ایجاد تناسب عملی تعهدات با ظرفیت‌های کشورها مدنظر قرار می‌دهد. سیستم شفافیت با توجه به ظرفیت‌های مختلف اعضاء به کشورهای در حال توسعه اختیارات لازم را می‌دهد و از طریق ظرفیت‌سازی جدید به آنها در ایفای تعهداتشان کمک خواهد کرد. تفاوت در اجرای مقررات شفافیت بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه حاکی از ظرفیت‌های مختلف ملی است. توافق‌نامه پاریس، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها را از کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوا، اقتباس کرده است. البته توافق‌نامه، تفسیر جدیدی از این اصل را با توجه به شرایط مختلف محلی ارائه داده است. این توافق‌نامه تفاوت بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را به ویژه با معرفی مقررات انعطاف‌پذیری برای کشورهای در حال توسعه تصدیق می‌کند. ایجاد یک چارچوب شفافیت بین‌المللی مؤثر و قوی با هدایت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها برای تقویت اعتماد متقابل بسیار اهمیت دارد. مطابق توافق‌نامه پاریس، هر چند همه اعضاء موظف به انجام تعهدات خود هستند، اما این تعهدات در سطح داخلی تعیین می‌شود. به علاوه، توافق‌نامه می‌پذیرد که با این هدف که کشورهای توسعه‌یافته باید منابع مالی را ارائه دهند،

^۱ CANCUN AGREEMENT, PARA 44, 46(d), 63 and 66.

کشورهای دیگر تشویق می شوند که این حمایت را به صورت داوطلبانه انجام دهند. با این که یک چارچوب شفافیت مشترک وجود دارد، قواعد جزئی آن باید برای ظرفیت‌های ملی مختلف و کشورهای در حال توسعه‌ای که باید در آن ظرفیت‌سازی کرد، تشریح شود.

۳- چالش‌های پیش رو در اجرای اصل تمایز

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، از اساسی‌ترین مفاهیم در عرصه همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲). کاربرد عملی آن به لحاظ عدم پذیرش توسط برخی کشورهای توسعه یافته به خاطر تعهدی که بر عهده آنها می‌گذارد، آسان نیست. بر سر راه اجرای اصل مسئولیت اما مشترک در رژیم اقلیمی موانعی وجود دارد. شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مانعی بر سر راه عملیاتی‌سازی این مکانیسم تمایز است. مانع دیگر محدودیت خود این اصل است که برای قرارداد مسئولیت‌های متفاوت بر دوش کشورهای در حال توسعه‌ای که به میزان کشورهای صنعتی گازهای گلخانه‌ای منتشر می‌کنند، عدم تعادل ایجاد می‌کند. تردید در پذیرش اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، تردید در پذیرش تجارت گازهای گلخانه‌ای، عدم پذیرش حذف پیشنهادات توسط کشورها، عدم شفافیت در تعهدات دولت‌ها ناشی از مسئولیت تاریخی کشورها در قبال انتشار گازهای گلخانه‌ای، باز بودن لیست اصول حاکم بر اسناد اقلیمی، ابهام در عبارات بکار گرفته شده در این اسناد و تفاوت در کیفیت و کمیت تلاش‌های کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در مبارزه با تغییرات اقلیم و همچنین فقدان همبستگی لازم میان کشورها در اجرای اصل، موانعی هستند که رژیم اقلیمی با آن مواجه است.

از همان ابتدا مشخص بود که کنوانسیون تغییرات آب هوایی و پروتکل کیوتو برای مقابله با تغییرات آب و هوایی مؤثر نیستند، اما در عمل تمایز بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه به گونه‌ای طراحی شده است که تغییر دادن آن بسیار دشوار است. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی و پروتکل کیوتو، در وضعیتی هستند که تعهدات اعضا را که مربوط به اولویت‌ها، اهداف و شرایط توسعه آنها است، مشخص می‌کنند. مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت یا مشخص کردن آنها برای انجام رفتار متفاوت فقط در مورد تعهدات کاهش‌دهنده اعمال نمی‌شود. تمایز و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها CDDR در مقررات مربوط به حمایت مالی، فنی و تقویت ظرفیت‌ها در مقررات مربوط به حمایت از سازگاری در کشورهای در حال توسعه و حتی در رژیم حقوقی پروتکل کیوتو قید شده است. اقداماتی نیز برای تسهیل در جذب مکانیسم توسعه پاک در کشورهای کمتر توسعه یافته، معرفی شده است. پروتکل کیوتو الزامات خاصی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کشورهای در حال توسعه تعیین نکرده است. در عوض تمام مفاد آن در مورد کشورهای توسعه یافته (عضو ضمیمه یک) اعمال می‌شود (Harris, P. 2019:28).

کشورهای توسعه یافته استدلال می‌کردند که ضمیمه یک پروتکل کیوتو، که تعهداتی را صرفاً بر کشورهای برشمرده در این ضمیمه بار می‌نماید دیگر منسوخ شده است. زیرا بسیاری از کشورهای غیر عضو امروز ثروتمندتر از بسیاری از کشورهای صنعتی قدیم گردیده و سهم آنها نیز در انتشار جهانی به شدت افزایش یافته است. در مقابل کشورهای در حال توسعه به شدت در برابر هرگونه برداشتن تمایز میان ضمیمه‌ها مقاومت می‌کردند و اصرار داشتند کشورهای ضمیمه یک باید پیشگامی خود را ادامه دهند. استدلال آنها در این خصوص آن بود که کشورهای توسعه یافته مشکلات اقلیمی را ایجاد کرده‌اند و هم اکنون نیز منابع اقتصادی بیشتری برای اقدامات در اختیار دارند. توافق‌نامه پاریس در محیط متمایز حقوقی، مذاکراتی، سیاسی و اقتصادی و انرژئ شکل گرفته و تمامی اعضا را در قالب رژیم پایبندی متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای خود از طریق ارائه NDC^۱ اقدامات معین ملی می‌نماید (سلیمانپور و بنی‌اسد، ۱۳۹۶:۳۷). مهمترین جنبه یک توافق، تعهد اعضا به اطمینان از تحقق سهولت تمام اهداف توافق است (Falkner, r. 2016:87) فقدان محدودیت‌ها و اهداف الزام‌آور در توافق‌نامه پاریس، اجرای آن را با مشکل مواجه کرده است. این واقعیت، ممکن است سایر کشورها را متعهد به انجام تعهدات خود نسازد (Dimitrov, R. 2016:140).

کشورهای توسعه یافته نیرو و منابع لازم برای انجام این کار را دارند. آنها بر سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذ شده تأثیر می‌گذارند. اجرای معاهدات بین‌المللی به خصوص زمانی که محدودیت‌ها یا اهداف الزام‌آور وجود نداشته باشد دشوار است. این به این معنا است که

^۱ National Determine Contributions

معاهده دارای حفره‌هایی است که می‌تواند توسط کشورهای عضو مورد هدف قرار گیرد، یعنی تا زمانی که این معاهده به نفع آنها نباشد، آن را رعایت نکنند (Magali, & Terllak, 2001:44). اما مسئله قابل توجه مذاکرات پاریس میزان توافق و همکاری سنتی کشورهای در حال توسعه بود که در طی چند سال بعد از تصویب کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد و پروتکل کیوتو تغییر کرده بود و یکپارچگی قبلی خود را نسبت به گذشته از دست داده بودند.

از سوی دیگر کشورهای آسیب‌پذیرتر در مقابل تغییرات اقلیمی از جمله کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و کمتر توسعه یافته به جد و به شکل گسترده خواستار اقدامات کاهشی از سوی همه تولیدکنندگان عمده از جمله کشورهای صنعتی قدیم و جدید بودند و مصر بودند تمام کشورها قاطعانه در برابر تغییرات اقلیمی مبارزه نمایند. پیشرفت اصلی برای از میان برداشتن این موانع در کنفرانس ورشو به سال ۲۰۱۳ محقق شد. در این راستا کنفرانس مفهوم برنامه‌های مشارکتی در سطح ملی (INDCs)^۱ خلق شد که اصطلاح (برنامه‌ها)^۲ به جای (تعهدات)^۳ بکارگرفته شد. کشورهای عضو ضمیمه یک نیز از ایجاد هرگونه تمایزی میان خودشان و کشورهای غیر عضو ضمیمه یک در ارتباط با ماهیت حقوقی مشارکت در توافق جدید خودداری نمودند. بنابراین، تصمیمات اتخاذ شده در این توافق صرفاً دربردارنده یک سری از قواعد بود که بر همه کشورها حاکم است. این در حالی است که از کشورهای توسعه یافته می‌خواهد کشورهای در حال توسعه را برای اجرای این ماده مورد حمایت قرار دهند. البته بسته کاتوویتس، از تحولات رخ داده بعد از نشست پاریس می‌باشد.

بسته کاتوویتس همان‌طور که اغلب با همین نام مطرح می‌شود، برخی از ابهامات را روشن کرد. این بسته، از اثربخشی انطباق م‌شاو‌ر‌ه‌ای پشتیبانی می‌کند. جنبه‌های کلیدی بسته کاتوویتس، شامل دستورالعمل‌های سند مشارکت ملی^۴ همکاری داوطلبانه و مکانیزم‌های بازار، گزارش انطباق، مشارکت جهانی، چارچوب فناوری پیشرفته (ET) بوده است. همچنین، اعضای توافق‌نامه و دستورالعمل‌های جدید در مورد نحوه گزارش NDC موافقت کردند. البته هنوز توافقی در مورد فریم‌های زمانی مشترک برای NCD ها وجود ندارد. نحوه ایجاد تمایز در نظام حقوقی تغییرات اقلیم مبتنی بر دو عامل مشارکت خاص در تغییر اقلیم از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای و همچنین ظرفیت‌های اقتصادی و فنی دولتها در کاهش انتشار این گازهای می‌باشد. این دو معیار با وجود اینکه بعضی از جنبه‌های مسئولیت دولتها را منعکس می‌سازند، کارایی لازم را در تبیین نظام مسئولیت دارا نمی‌باشند. دسته بندی کشورها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم، با تکیه بر تولید ناخالص ملی و انتشار تاریخی گازهای گلخانه‌ای آنها، تبیین شده است. واضح است که مهم‌ترین شاخص برای تفکیک مسئولیت دولتها در کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد، سطح توسعه اقتصادی آن کشورها بوده است. این طبقه‌بندی در پروتکل کیوتو نیز دنبال شده است. با مذاقه در رویکرد توافق‌نامه پاریس نیز در می‌یابیم که در حالی که انتظار می‌رفت در روند تفکیک مسئولیت دولتها اصلاحاتی با توجه به تغییر شرایط و توانمندی دولتها اعمال شود، صرفاً کشورهای در حال توسعه تشویق شده‌اند تا متناسب با افزایش توانمندی‌های خود به تدریج برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اقدام کنند. اما مکانیسمی برای ملزم شدن این کشورها در این خصوص و تعیین مشارکت ملی آنها تعریف نشده است.

در متن توافق‌نامه پاریس صرفاً یک بار اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها عنوان شده است. هرچند که هیچ تغییر و جابجایی در دسته‌بندی کشورها دیده نمی‌شود. به موجب اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها، دولتها در حال توسعه از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای معاف شده‌اند. این در حالی است که این کشورها، نقش عمده‌ای در تشدید پدیده تغییرات اقلیم بازی می‌کنند. چراکه این پدیده در آینده ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای کشورهای در حال توسعه خواهد بود. بکارگیری مکانیسم تمایز، موجبات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کشورهای در حال توسعه‌ای مثل چین و هند را فراهم نمی‌آورد. بنابراین شرایط حاکم بر رژیم اقلیمی مبتنی بر تمایز، دستیابی به نظام حقوقی اقلیمی کارآمد را غیرممکن نموده است. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها از مقبولیت نسبتاً بالایی در جامعه بین‌المللی در میان کشورهای در حال توسعه برخوردار است و به نقش محوری و مرکزی خود در

¹ Intended nationally determined contribution

² Contribution

³ Commitments

⁴ -National Determine Contributions(NDC)

مذاکرات مربوط به تغییرات اقلیم ادامه خواهد داد (Stone, 2009:290:75). آنچه مسلم است تا به امروز، تفاسیر متفاوتی از این اصل صورت گرفته است. در اجرا نیز این اصل با چالش‌های بسیاری همانند تقابل با منافع دولت‌ها روبه‌رو می‌باشد. نگاه رو به گذشته این اصل، بدون توجه به تغییرات حاصله (انتشار آینده گازهای گلخانه‌ای، تغییرات در میزان توسعه یافتگی و توانمندی دولت‌ها) از موانع پیش‌رو در اجرای این اصل خواهد بود. با وجود اینکه که بار مسئولیت مبارزه با بحران تغییرات آب و هوایی می‌بایست بر دوش همه کشورها باشد، باید میان انصاف دورن‌نسلی و انصاف بین‌نسلی به تفکیک شد. انصاف بین‌نسلی، مفهومی ارزشی است که بر حقوق نسل‌های آتی بشریت تأکید دارد (Onuzo et al. 2013:4-5). با وجود تفاسیر متفاوتی که از اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها در این حوزه می‌شود، به دلیل فقدان مکانیسم الزام‌آور در خصوص اعمال صحیح این اصل، موفقیت‌های قابل‌قبولی حاصل نگردیده است.

نتیجه‌گیری

تغییرات اقلیم، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی است که جهان امروز با آن روبرو است. شواهد انکارناپذیر علمی مبتنی بر افزایش چشمگیر پدیده تغییرات اقلیم در ابعاد جهانی است. با وجود رژیم حقوقی اقلیمی مبتنی بر اسناد سه‌گانه بین‌المللی، تحقق اهداف این اسناد با چالش‌های بسیاری روبرو است. این نظام حقوقی که با محوریت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها شکل گرفته است، بر بسیج تمامی امکانات، آسیب‌پذیری، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های فنی، تکنولوژیکی و مالی متمرکز است. مسئله تغییرات اقلیم به شناسایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، پرداخته است. چنانکه، این مکانیسم تمایز، به عنوان یک اصلی راهنما و زیربنایی در نظام حقوقی تغییرات اقلیم به کار گرفته شده است، مهم‌ترین توافقات جهانی تغییرات اقلیمی شامل کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، پروتکل کیوتو و توافق‌نامه پاریس، هر یک به نحوی کشورهای عضو را تحت تأثیر تعهدات کاهش‌دهنده انتشار گازهای گلخانه‌ای قرار داده‌اند. در این اسناد، که بر مبنای رژیم تمایزگرا شکل گرفته با مسئول شناختن کشورهای توسعه‌یافته در انتشار بیش از حد گازهای گلخانه‌ای تعهدات عمده کاهش انتشار را متوجه این گروه‌ها از کشورها نموده است. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، اصلی نوین در نظام اقلیمی است که با شناسایی این اصل، تعهدات متفاوتی بر دولت‌ها بر اساس شرایط، اوضاع، احوال و نیازهای خاص کشورها در جهت مبارزه با تغییرات اقلیمی تحمیل می‌گردد. این اصل ناشی از سیستم دوگانه از طریق شناسایی استانداردها، پذیرش مسئولیت کشورهای توسعه‌یافته در برابر کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته و همچنین وضع مقررات برای تحقق توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه اعمال می‌گردد.

به علاوه مطابق با این اصل، با تعهدات مشخص و تفکیک شده‌ای در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مواجه می‌گردیم. سهم کشورها در انتشار گازهای گلخانه‌ای و تأثیرات تغییرات آب و هوایی، سیستم دوگانه‌ای از مسئولیت را پایه‌ریزی کرده‌اند. که این روند در هر سه سند اقلیمی دنبال شده است. تمایزات در توافق‌نامه پاریس به شکلی متفاوت نسبت به کنوانسیون-چارچوب یک نشانه از بازتابی متفاوت از اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت است. با این صورت که با توجه به اوضاع متفاوت داخلی، امکان ارائه تفسیری پویا از این اصول را فراهم می‌آورد. توافق‌نامه پاریس، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها را از طریق تفسیر تازه با توجه به شرایط مختلف محلی منعکس می‌کند. به علاوه تفاوت بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را به ویژه با معرفی مقررات انعطاف‌پذیری برای کشورهای در حال توسعه تصدیق می‌کند. مشارکت‌های تعیین شده ملی NDC که با هدف ایجاد و فعال‌سازی تعهدات کاهش‌دهنده آ‌ب‌هوا، اعمال می‌شود شاخصه متمایزکننده توافق‌نامه پاریس از دو سند پیشین است.

بنابراین رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی، بر مبنای تمایز و مسئول شناختن کشورهای توسعه‌یافته در انتشار بیش از حد گازهای گلخانه‌ای شکل گرفته است. با وجود کاربرد موثر اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت (CBDR) در رژیم تغییرات اقلیمی باید به این موضوع اذعان داشت که این اصل اصلی مشکل ساز تلقی می‌شود. الگویی که به موجب مکانیسم تمایز ایجاد شده است، در صورت تداوم به دولت‌ها اجازه نمی‌دهد به طور مؤثر با گرمایش جهانی مبارزه کنند. کشورهای عضو در خصوص عادلانه و منصفانه بودن اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت متفق‌القول نیستند.

به منظور تقویت کارایی نظام حقوقی تغییرات آب و هوایی مبتنی بر سیستم دوگانه مسئولیت، ضرورت دارد تا راهکارها و تدابیری اتخاذ گردد. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، نیازمند بازتعریف است تا با تقسیم مسئولیتها و تعهدات به کشورهای در حال توسعه به سطوح انتشار بالا تمایز در کشورهای در حال توسعه نیز امکان پذیر باشد. در بین کشورها باید در خصوص کاربرد اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت برای نیل به یک مصالحه سیاسی- زیست محیطی توافق حاصل گردد. شاید بتوان تغییر و جابجایی در دسته بندی کشورها که همچنان بر اساس رویه کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد دنبال می شود را راهکاری موثر قلمداد نمود. چراکه دسته بندی انجام شده دسته های همگنی از دولتها را ارائه نمی دهد. در حصول اطمینان از تمایز در کشورهای در حال توسعه نباید منطق اساسی برای رفتار متفاوت را که بر اساس سطوح تاریخی انتشار گازهای گلخانه ای است که مسئولیت اصلی آن بر عهده کشورهای توسعه یافته است نادیده گرفته شود. همچنین توصیه می گردد که اصل CBDR به تدریج به عنوان یک اصل حقوق بین المللی عرفی تفسیر شود.

منابع

- امینی، اعظم؛ میان آبادی، حجت؛ نداف، ناصر (۱۳۹۷). نقش دیپلماسی در موافقت نامه اقلیمی پاریس. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۱۴ (۱)، ۱۴۸-۱۷۵.
- پورهاشمی، سید عباس؛ ارغند، بهاره (۱۳۹۲). *حقوق بین الملل محیط زیست*. تهران: انتشارات نشر دادگستر.
- تقوی، لعبت؛ طیبی، سبحان (۱۳۹۲). چالش های جهانی حقوق بین الملل محیط زیست، تغییرات آب و هوایی تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی. *مطالعات بین المللی پلیس*. ۳ (۱۱)، ۱۱۸-۱۳۵.
- سلیمانپور، هادی؛ بنی اسد آزاد، فرزانه (۱۳۹۶). توافق نامه پاریس: محور جدید همکاری در منطقه خلیج فارس. *فصلنامه سیاست خارجی*. ۳۱ (۳)، ۶۰-۳۷.
- شفیع پور، مجید (۱۳۹۵). *صفر تا صد توافق نامه تغییرات اقلیم پاریس*. مصاحبه ای با ایسنا. خبرگزاری دانشجویان ایران. ۳ اردیبهشت.
- عبداللهی، محسن (۱۳۸۹). تغییرات آب و هوایی: تأملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی. *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. ۴۰ (۱)، ۲۱۳-۱۹۳.
- عبداللهی، محسن؛ معرفي، سعیده (۱۳۸۹). اصل مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست. *فصلنامه پژوهش حقوق*. ۱۲ (۲۹)، ۲۰۰.
- کیس، الکساندر؛ سند، پیتر. اچ؛ لانگ، وینفراید (۱۳۸۶). *حقوق محیط زیست*. جلد سوم. ترجمه حسن حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

References

- Abdollahi, M. (2010). Climate change: A reflection on legal strategies and measures. *Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*. 40 (1), 193-213. (in Persian).
- Abdollahi, M. & Moarefi, S. (2010). Common but Different Principles in International Environmental Law. *Journal of Law Research*. 12 (29). 200. (in Persian).
- Anjail, D. N. (2011). India's environmental trump card: How reducing Black Carbon through common but differentiated responsibilities can curb climate change. *Denver Journal of International Law & Policy*. 39 (3), 523-552:534.
- Christopher, D. S. (2004). Common but differentiated responsibilities in International Law. *American Journal of International Law*. 98 (2), 276. DOI:10.2307/3176729
- Amini, A.; Mianabadi, H. & Nadaf, N. (2018). The role of diplomacy in the Paris climate agreement. *Geopolitics Quarterly*. 14 (1), 148-175. (in Persian).

- Bodansky, D. (2015). *Legal Option for U.S. Acceptance of a New Climate Change Agreement*. U.S.: Center for Climate and Energy Solution CC2Es.
- Bodansky, D. (2016). *The History of Climate Change Regime*. <http://graudentitue.ch.file/live/sitrs/iheid/files/adminst/shared/doc-professor/laterbacher>.
- Bodansky, D. (2106). The legal character of the Paris agreement. *Review of European, Comparative & International Environmental Law*. 25 (2), 142-150. DOI:10. 111/real. 12154.
- Chinwa Ole, N. (2021). Understanding the principle of common but differentiated responsibilities and its manifestations in multilateral environmental agreements, (MEAS) 11 Nnamdi Azikiwe. *Journal of Public and Private Law*. 11, 262-284.
- Dimitrov, R. S. (2016). The Paris agreement on climate change, Behind closed doors. *Global Environmental Politics*. 16 (1), 123-141.
- Falkner, R. F. (2016). The Paris Agreement and the new logic of international climate politics. *International Affairs*. 92, 1107. p87.
- Harris, P.G. (2019). Common but differentiated responsibility: the Kyoto protocol and united state policy. *New York University Environmental Law Journal*. 7 (1). 17-28.
- Jiahua, P. (2017). Common but differentiated commitment, A practical approach to engaging large developing emitters under L20. Post-Kyoto Architecture: Toward an L20. New York City.
- Jabbour, J. et al (2012). Internationally agreed environmental goals: A critical evaluation of progress. *Environmental Development*. 3 (5), 45.
- Jiménez, E. (2013). The principle of common but differentiated responsibilities and respective capabilities (CBDR&RC), The compliance branch of the Paris Agreement. *Theoretical Inquiries in Law*. 14 (1), 152-171.
- Jutta, B. (2004). The United States and International Environmental Law: Living with an Elephant. *EJIL*. 15 (4), 617-649.
- Kiessling, Ch.K. (2002). Common but differentiated responsibilities regarding climate change, Different Interpretations within the Brazilian National Context, JANUS.NET. *Journal of International Relations*. 13 (1), 152-170.
- kiss, A.; Sand, P. & H. Long, W. (2007). *Environmental Law*. Vol. 3. Hassan Habibi (Trans.). Tehran: Tehran University Press. (in Persian).
- Pauw, P et al (2014). *Different Perspectives on Differentiated Responsibilities: A State-of-the-Art Review of the Notion of Common but Differentiated Responsibilities in International Negotiations*. German: Development Institute.
- Pourhashmi, S. A. & A. B. (2013). *International Environmental Law*. Tehran: Dadgostar Publishing House. (in Persian).
- Liu, X.D. (2015). Assessment of achievement of the lima climate change conference and perspective on the future. *Advances in Climate Change Research*. 5 (4), 219-223.
- Magali A., D. & Terlaak, A. K. (2001). A framework for analyzing environmental voluntary agreements. *California Management Review*. 43 (3), 44.
- Matsui, Y. (2002). Some aspect of the principle of common but differentiated responsibility. *International Environmental Agreement*. 5, 719-721.
- Obergassel, W. et al (2016). *Phoenix from the Ashes, an Analysis of the Paris Agreement to United Nations Framework Convention on Climate*. Wuppertal: wuppertal institute wupperinst.
- Uchenna, O. et al (2013). *Intergenerational Equity*. London: The London Scholl of economics and political science publications.

- Pananya, L. (2014). The Interaction between WTO law and the principle of common but differentiated responsibilities in the case of climate-related border tax adjustments. *Goettingen Journal of International Law*. 6 (1), 145-170.
- Pauw, P. et al (2014). *Different Perspective on Differentiated Responsibilities in International Negotiation—A State of the Art Review of the Notion of Common But Differentiated Responsibilities*. Germany: German Development of Institut.
- Rajmani, L. (2012). The Durban platform for enhanced action and the future of the climate regime. *International and Comparative Law Artery*. 61 (2), 501-518.
- Rajmani, L. (2015). The principle of common but differentiated responsibility and the balance of commitment under the climate regime. *Review of European Community and International Environment Law*. 9 (2), 12-24.
- Rebecca, D. & Jane, M. (2017). International cooperation and responsibility sharing to combat climate change, Lessons for International Refugee Law. *Melbourne Journal of International*. 18 (2), 11-12.
- Rishika, K. (2021). The principle of ‘common but differentiated responsibilities’ and the challenges posed by it in the context of international climate governance. *International Journal of Law and Legal Jurisprudence Studies*. 3 (20), 98-113.
- Santos, M. (2017). Global justice and environmental governance: An analysis of the Paris Agreement. *Revista Brasileira de Political International*. 12 (8), 77.
- Shafipour, M. (2016). *Zero to One Hundred of the Paris Climate Change Agreement*. An Interview with ISNA. Iranian Students News Agency. May 3. (in Persian).
- Shirazian, Sh.; Anisi, S. & Karimidouzaji, A. (2021). State responsibility on covid-19 damages under common but differentiated principle. *(CIFILE) Canadian Institute for International Law Expertise Journal of International Law*. 20 (3), 32-46. (in Persian).
- Stone, Ch.D. (2009). Common but differentiated responsibilities in international law. *American Journal of International Law*. 98 (2), 301-76.
- Suleimanpour, H. & Bani Asad Azad, F. (2017). The Paris Agreement: A New Axis of Cooperation in the Persian Gulf Region. *Foreign Policy Quarterly*. 31 (3), 37-60. (in Persian).
- Van, H.; Sealon, H. & paw, P. (2015). Assessment and review under a 2015 climate change agreement. *Nordic Council of Ministers*. 17 (3), 67.
- Taqavi, L. & Tayyibi, S. (2013). Global challenges of international environmental law, Climate change as a threat to international peace and security. *Quarterly Journal of Environment and Energy*. 2 (23), 234-242. (in Persian).
- Van, H. (2017). Assault lecture on adaption and equity. *Strathclyde*. 32 (6), 12-24.
- Wang, H. (2016). Phoenix from the ashes, an analysis of the Paris agreement to united nations framework convention on climate, wuppertal. *Wuppertal Institute*. 12 (3), 17-25.
- Wewerinke, s. (2016). Margaretha and Daoebbler, Curtis, the Paris agreement: Some critical reflections on process and substance. *University of New South Wales Law Journal*. 39 (4), 26-43.
- Zaccai, E. & Lugen, M. (2016). Common but differentiated responsibilities against the realities of climate change. *Archive for Recht-Und Sozil Philosophies*. 98 (15), 277.